

شاخص پایداری مستمری در نهادهای بیمه‌گر سال ۲۰۱۴

ترجمه: هدیه علی‌نقی‌خانی*

چکیده

از آنجائیکه اعمال اصلاحات در سیستم‌های تأمین اجتماعی به علت تغییرات جمعیتی و تداوم سیستم‌های ناپایدار و قدیمی امری اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود، آلیانز (شرکت بین‌المللی خدمات مالی - آلمان - مونیخ) در این گزارش مقوله شاخص پایداری مستمری را معرفی کرده است. این شاخص ویژگی‌های مختلف سیستم‌های مستمری را با عوامل موثر جهت مطالعه و ارزیابی تغییرات ناشی از سیاستگذاری‌ها در کشورهای مختلف در کل دنیا را ترکیب می‌کند. در تعریف پایداری یک سیستم مستمری عمومی در یک کشور، شاخص پایداری مستمری معرف میزان نیاز یک کشور به انجام اصلاحات جهت حفظ پایداری مالی در بلند مدت می‌باشد. در این مطالعه به عوامل اثرگذار بر کاهش شاخص پایداری از جمله سن بازنشستگی بسیار پایین، افزایش بخش غیر رسمی و به تبع آن کاهش پوشش بیمه‌ای، پوشش بیمه‌ای پراکنده، بالا بودن نرخ جایگزینی، افزایش چشمگیر جمعیت سالمند و به تبع آن افزایش شاخص نسبت وابستگی، بازنشستگی‌های زود هنگام و تأخیر در انجام اصلاحات مورد نیاز اشاره گردیده است. نکته قابل تأمل اینجاست که تعدادی از کشورها با انجام اصلاحات به موقع و اثرگذار از جمله افزایش سن بازنشستگی متناسب با امید به زندگی، تغییر در فرمول محاسبه مستمری، تغییر در مکانیزم‌های ترمیم جهت کاهش میزان نرخ جایگزینی و... نسبت به افزایش شاخص پایداری گام‌های مثبتی برداشته‌اند و از وضعیت مطلوبتری برخوردار گردیده‌اند. علاوه بر موارد فوق تغییر در ساختار جمعیتی برخی کشورها و کاهش نسبت سالمندی و همچنین پیشرفت اقتصادی در برخی کشورها باعث ارتقا رتبه تعدادی از کشورها گردیده است.

کلیدواژه‌ها: شاخص، پایداری، مستمری، اصلاحات

* کارشناسی ارشد مدیریت بیمه/ کارشناس متخصص گروه محاسبات اجتماعی دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی

سازمان تأمین اجتماعی (hkhani705@gmail.com)

همگام با تغییرات نامساعد جمعیتی و سیستم‌های ناپایدار قدیمی و چندپاره، اصلاحات مستمری در رأس سیاست‌های کشورها از سال‌ها پیش قرار گرفته است. فرایند اصلاحات در طیف وسیعی از کشورها به شکل قابل ملاحظه‌ای از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، به همین دلیل آلیانز^۱ و^۲ در اولین گام مقوله شاخص پایداری مستمری^۳ را معرفی می‌کند. این شاخص ویژگی‌های مختلف سیستم‌های مستمری را با عوامل مؤثر جهت مطالعه و ارزیابی تغییرات ناشی از سیاست‌گذاری‌ها در کشورهای مختلف در کل دنیا را ترکیب می‌کند.

در تعریف پایداری یک سیستم مستمری عمومی در یک کشور، شاخص پایداری مستمری معرف میزان نیاز کشور به انجام اصلاحات جهت حفظ پایداری مالی در بلندمدت است، هر چند ارزیابی پارامترهای قانونی، فنی و سازمانی هر کشور به طور مشخص، کار دشواری می‌باشد. با این توصیف تعدادی متغیر کلیدی به طور عام در سیستم‌های مستمری ملی، فارغ از ویژگی‌های اختصاصی هر کشور وجود دارند که بر پایداری سیستم تأثیر جدی دارند. با اتخاذ یک رویکرد منظم جهت مطالعه این متغیرهای پویا، شاخص پایداری مستمری جهت ارزیابی پایداری بلندمدت سیستم‌های مستمری ملی به کار گرفته می‌شود که به تبع آن زمینه انجام اصلاحات توسط سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران فراهم می‌گردد.

نتایج کلیدی

• کشور تایلند به دلیل سن بازنشستگی بسیار پایین، تحت بیشترین فشار جهت انجام اصلاحات است. ضمن اینکه پوشش بیمه‌ای آن به دلیل بخش غیررسمی قابل توجه، بسیار پایین است. این کشور جایگزین کشور یونان (به عنوان پایین‌ترین رتبه) شده است که بعد از تلاش‌های بسیار جهت اصلاحات، جایگاه خود را ارتقاء داده است. بعد از کشور یونان، برزیل نیز به دلیل دارا بودن نرخ جایگزینی بالا و سن بازنشستگی پایین به لحاظ پایداری، آینده خوبی ندارد.

1. Allianz

۲. آلیانز، شرکت چندملیتی خدمات مالی است که دفتر مرکزی آن در شهر مونیخ آلمان قرار دارد این شرکت، فعالیت‌های اقتصادی فراوانی دارد ولی تمرکز اصلی آن بر ارائه خدمات بیمه است.

3. Pension Sustainability Index (PSI)

- کشور استرالیا با سیستم بیمه‌ای دولایه عمومی (درحد ناچیز) و سیستم مستماری ذخیره‌سازی کامل پیشرفته، پایدارترین کشور به‌لحاظ مالی در بلندمدت محسوب می‌گردد. کشورهای نظیر سوئد، نیوزیلند، نروژ، هلند و دانمارک نیز به‌لحاظ رتبه بعد از کشور استرالیا قرار دارند.
- از آنجایی که شاخص‌ها بیان‌کننده شرایط ارزیابی شده کشور در زمینه گروه وسیعی از افراد (از جمله سالمندان) است، به‌همین دلیل شاخص پایداری سالمندی در سال ۲۰۱۴ تغییرات عمده‌ای نسبت به سال ۲۰۱۱ داشته است.
- در بررسی رتبه‌ها در مقایسه با سال ۲۰۱۱، کشورهای یونان، ایرلند، آلمان، رومانی، سنگاپور، ترکیه و ایالات‌متحده آمریکا در جدول رتبه‌بندی، ۵ رتبه ارتقاء یافته‌اند. ترکیبی از عوامل مختلف باعث ایجاد این بهبود گردیده است، با افزایش سن بازنشستگی و همچنین اعمال اصلاحات در سیستم‌های مستماری و همچنین پیشرفت اقتصادی در این کشورها از دلایل مهم ارتقاء رتبه آنها می‌باشد؛ ضمن آنکه با توجه به موارد یادشده، تأمین مالی از محل درآمدهای عمومی به همان نسبت کاهش می‌یابد.
- کشورهای کرواسی، فرانسه، هنگ‌کنگ، مالت، اسلونی و تایوان به‌لحاظ رتبه به‌طور چشمگیری در جدول تنزل یافته‌اند. افزایش پدیده سالمندی در جمعیت و همچنین تأخیر در اعمال اصلاحات مستماری، از دلایل اصلی کاهش رتبه این کشورها است.
- شاخص پایداری مستماری از سال ۲۰۰۴ تاکنون منتشر می‌گردد. این شاخص در سال ۲۰۱۴ درخصوص ۵۰ کشور مورد مطالعه قرار گرفته است. کشورهای تازه وارد شامل برزیل، شیلی، مکزیک، مالزی، اندونزی و افریقای جنوبی می‌باشند.

شاخص پایداری مستماری

نتایج کلی

شاخص پایداری مستماری، اجزاء مرتبط در سیستم‌های مستماری و تغییراتی را که منجر به اعمال اصلاحات از سوی دولت‌ها و سیاست‌گذاران می‌شود، مورد بررسی قرار می‌دهد. در این راستا، ۵۰ کشور براساس تعدادی معیار، جهت رتبه‌بندی به‌لحاظ پایداری بلندمدت سیستم مستماری (در کشورهایی که به بلوغ سن رسیده‌اند) مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته‌اند. شاخص پایداری مستماری

در سال ۲۰۱۴ رویکردی متفاوت با مطالعات قبلی اتخاذ کرده است. کمترین میزان شاخص پایداری مستمری میتین پایداری بسیار کم سیستم مستمری آن کشور و بیشترین میزان این شاخص حاکی از پایداری مالی قابل توجه در سیستم مستمری کشور مربوطه است.

در مطالعه فعلی، سیستم‌های مستمری کشورهای تایلند، برزیل و ژاپن به لحاظ پایداری مالی بلندمدت به دلایل مختلف در سطح حداقل‌ها می‌باشند. کشور تایلند به صورت قابل توجهی دارای سن بازنشستگی پایین و پوشش بیمه‌ای پراکنده است؛ علاوه بر این پدیده سالمندی در این کشور به شکل قابل توجه و با سرعت در حال افزایش می‌باشد. پیامدهای ناشی از مقوله سن پس از بحران طبیعی سیل و آشفته‌گی‌های سیاسی، از دلایل اصلی وجود مشکلات در این کشور است.

کشور برزیل نیز به سرعت با روند پدیده سالمندی روبه‌رو شده است ضمن آنکه سیستم مستمری در این کشور دارای نرخ جایگزینی بالایی می‌باشد و از سوی دیگر تبعات ناشی از بازنشستگی‌های زود هنگام تأثیرات منفی خود را بر سیستم بازنشستگی این کشور گذاشته‌اند و در بلندمدت، ناپایداری مالی ایجاد کرده‌اند.

کشور ژاپن به لحاظ پایداری کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. افزایش چشمگیر جمعیت سالمندان و همچنین سطح بسیار بالای بدهی‌های دولت به سیستم از عمده دلایل ناپایداری مالی در بلندمدت در این کشور است. با در نظر گرفتن این عوامل، سیستم مستمری بسیار پرهزینه است و انجام اصلاحات اجتناب‌پذیر به نظر می‌رسد.

کشور یونان در رتبه‌بندی شاخص پایداری مالی در سال ۲۰۱۱ پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داد، که به علت اعمال اصلاحات مؤثر با همکاری صندوق بین‌المللی پول^۱ و بانک مرکزی اروپا با تغییرات قابل توجهی مواجه شده است؛ هرچند با اعمال اصلاحات، هزینه‌های مستمری در بلندمدت کاهش یافت با این وجود، سطح بالای بدهی و همچنین نسبت سالمندی به عنوان چالش‌های اصلی کشور یونان همچنان به حساب می‌آیند و به همین دلیل علی‌رغم انجام اصلاحات، رتبه این کشور به میزان قابل توجهی ارتقاء نیافته است.

کشور استرالیا در آن سوی طیف قرار دارد. میزان فشاری که هزینه‌های مستمری یک کشور بر

1. International Monetary Fund (IMF)

منابع عمومی تحمیل می‌کند به‌عنوان یک زیر شاخص^۱ اساسی و مهم مدنظر قرار می‌گیرد؛ بنابراین سیستم دولایه استرالیا به‌صورت ترکیبی از یک سیستم عمومی ناچیز با یک طرح پیشرفته ذخیره‌سازی، کمترین نیاز ممکن به انجام اصلاحات را دارد.

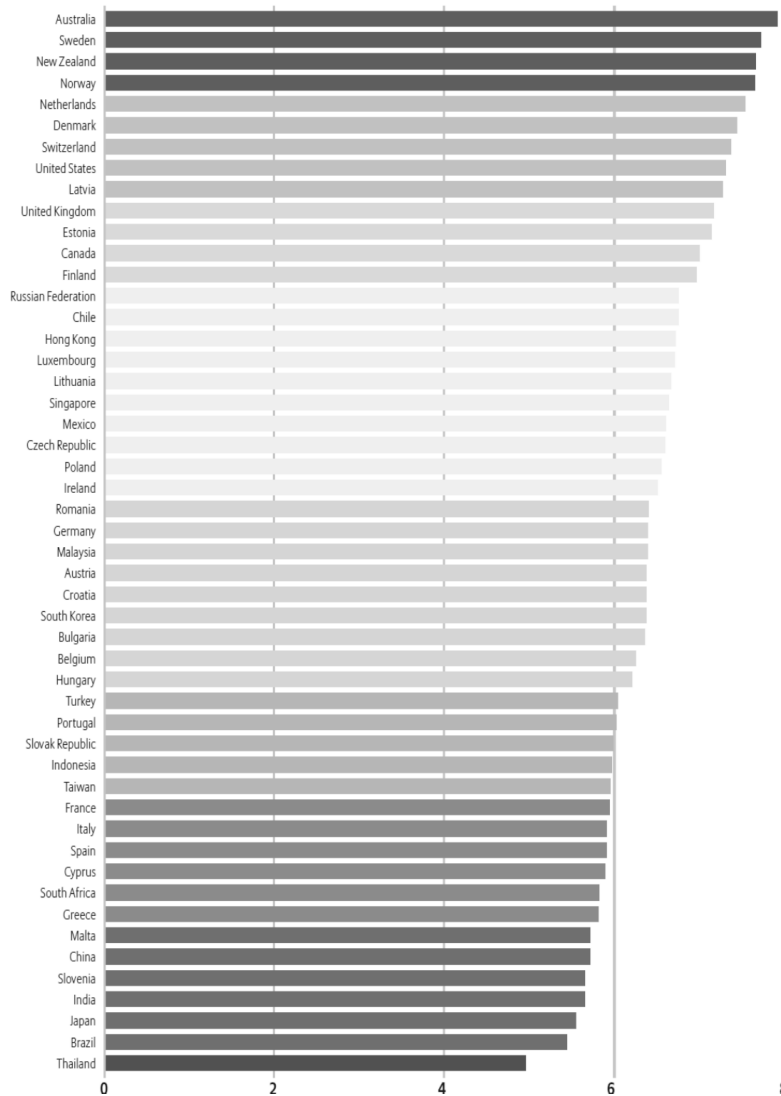
بعد از استرالیا کشورهای سوئد، نیوزیلند، نروژ و هلند در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کشورهای اروپای غربی از نظام‌های مستمری جامعی برخوردار هستند که براساس ترکیب لایه‌های ذخیره‌سازی پایه‌ریزی شده‌اند.

جمعیت نیوزیلند به‌سرعت به‌سمت سالمندی پیش نمی‌رود، بنابراین سیستم مستمری آن به‌همراه یک سهم پایین بدهی‌ها از تولید خالص داخلی دارای یک طرح متوسط مستمری خواهد بود و به‌تبع آن به‌نظر می‌رسد نیروی کار حتی پس از سن بازنشستگی قانونی مایل به اشتغال باشند و در آینده نیز این روند پایدار خواهد ماند. در حد وسط این طیف کشورهای زیادی با سیستم‌های متفاوت و شرایط از پیش تعیین شده می‌باشند:

کشورهای جوان با سیستم‌های مستمری پراکنده با مقوله سرعت رشد جمعیت سالمند در چالش می‌باشند و کشورهای سالمند با سیستم‌های مستمری پیشرفته، مقوله اصلاحات را در دستور کار خود قرار داده‌اند و همواره نظارت بر پایداری سیستم‌های مرتبط با سالمندی را مدنظر قرار می‌دهند. به‌منظور دستیابی به یک دیدگاه بهتر در خصوص سیستم‌های مستمری و میزان پیشرفت کشورهای مشابه در این خصوص در ادامه به‌صورت جزئی‌تر بحث و بررسی انجام خواهد شد.

1. Sub-indicator

نمودار ۱- شاخص پایداری مستمری در سال ۲۰۱۴



نکته‌ای که می‌بایست مدنظر قرار گیرد، آن است که کفایت مزایای بازنشستگی در این گزارش به‌عنوان شاخص فرعی در نتایج مرتبط با پایداری مستمری لحاظ نگردیده است. اولین گزینه انتخابی طی دو دهه اخیر مقوله اعمال اصلاحات اساسی در موضوع بازنشستگی است؛ به‌گونه‌ای که

سیستم‌های ارزیابی سالانه^۱ به سمت سیستم‌های اندوخته‌گذاری^۲، سیستم تأمین مالی مبتنی بر مزایای معین^۳ به سمت سیستم مبتنی بر حق بیمه معین^۴ و ساختارهای مساعدت خانواده^۵ به سمت سیستم‌های رسمی تر عمومی (مشابه مورد در آسیا) تغییر یافته‌اند.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که نیروی کار فعلی چگونه قادر خواهد بود که درآمد بازنشستگی معادل درآمد پیش از بازنشستگی را جهت حفظ استانداردهای زندگی، کسب نمایند در حالی که آنها با کاهش درآمد و گاه پدیده فقر در دوران سالمندی مواجه می‌گردند. با توجه به گستره بحث، این موضوع به عنوان یک مقوله سیاسی و مهم در کشورهای بسیار زیادی مدنظر قرار می‌گیرد تا جایی که به طور گسترده در مدرک سبز^۶ سال ۲۰۱۰ کمیسیون اروپا مطرح گردید و همچنین در گزارش ویژه مربوط به کفایت مزایای بازنشستگی سال ۲۰۱۲ قید شد.

تغییرات در شاخص پایداری مستمری از سال ۲۰۱۱

محاسبه شاخص پایداری مستمری برای رتبه‌بندی کشورها براساس اعداد و ارقامی صورت می‌پذیرد که مستقل از تغییرات و تفاوت‌های جزئی بین کشورهاست. بنابراین کشورهایی که به لحاظ عددی و به تبع آن نتایج به هم نزدیک می‌باشند، در یک گروه با رنگ مشخص قرار می‌گیرند. ضمن اینکه برخی کشورها تغییرات عمده‌ای به لحاظ رتبه‌بندی در سال ۲۰۱۱ در ارتباط با این شاخص داشته‌اند.

کشورهای هنگ کنگ، تایوان، کرواسی، فرانسه، اسلونی و مالت در مقایسه با سال ۲۰۱۱ با کاهش شدیدی در شاخص پایداری مستمری روبه‌رو بوده‌اند، در حالی که در کشورهای امریکا، لوگزامبورک، سنگاپور، ایرلند، رومانی، ترکیه و یونان این شاخص افزایش داشته است. از آنجا که معیارهای متعددی در تعیین شاخص پایداری مؤثر هستند، دستیابی و تعیین اینکه کدام متغیر بیشترین تأثیر را در ایجاد تغییرات این شاخص داشته است، کار چندان ساده‌ای نیست.

در تعدادی از کشورها اعمال اصلاحات، تغییرات قابل توجهی در این شاخص ایجاد کرده است. به عنوان مثال کشورهای یونان و ایتالیا نمونه‌هایی از اصلاحات اساسی می‌باشند. در موارد دیگر،

1. Pay-as-you-go (PAYG) systems
2. funded systems
3. defined benefit (DB)
4. defined contribution (DC)
5. family support structures

۶. مدرک سبز: سند مباحثه و مشتمل بر عقاید و نظرات کارشناسان و فضایی جهت ثبت نظرات و اطلاعات صاحب‌نظران.

تأخیر در اعمال اصلاحات از جمله در کشور فرانسه باعث ایجاد وضعیت نامناسب گردیده است. تفاوت در سطح پیشرفت اقتصادی بر هزینه‌های مستمری و ارقام بدهی تأثیر دارد و به دلیل این تفاوت‌ها، جایگاه کشورها به لحاظ رتبه‌بندی در فهرست کشورها متغیر است و در مرحله آخر نحوه پیش‌بینی‌های جدید در خصوص اطلاعات نیز بر رتبه‌بندی تأثیر خواهد داشت. در این گزارش، ویرایش تجدیدنظر شده پیش‌بینی جمعیت سازمان ملل، مدنظر قرار گرفته است که برخی تغییرات اساسی در نرخ یا نسبت وابستگی سالمندی را نشان می‌دهد. در خصوص کشورهای هنگ‌کنگ، تایوان، اسپانیا و قبرس، پیش‌بینی سازمان ملل فرایند سالمندی را سریع‌تر از پیش‌بینی قبلی با نسبت شاخص وابستگی سالمندی برآورد کرده است.

تغییرات جمعیتی به صورت ترکیبی، با یک زیر شاخص به‌طور قابل ملاحظه‌ای بر مقدار شاخص پایداری مؤثر می‌باشند. این تغییرات مشخصاً بر میزان رتبه کشورهای هنگ‌کنگ و تایوان تأثیر گذاشته‌اند. رشد آهسته‌تر پدیده سالمندی در خصوص جمعیت کشورهای سنگاپور، سوئیس، سوئد، نروژ، اتریش و روسیه پیش‌بینی گردیده است. در خصوص کشور سنگاپور این عامل تنها دلیل ایجاد تغییرات مثبت در رتبه این کشور نیست. معرفی مقرری سالانه اجباری^۱ از صندوق جهت مقابله با مخاطره طول عمر نیاز به اقدام دولت جهت جلوگیری از فقر به واسطه سالمندی را کاهش می‌دهد. کشور لوگزامبورگ هم جایگاه مناسبی را در جدول به خود اختصاص داده است و میزان قابل قبول بدهی‌ها و همچنین هزینه‌های قابل قبول مستمری‌ها در آینده باعث ارتقاء رتبه این کشور گردیده است.

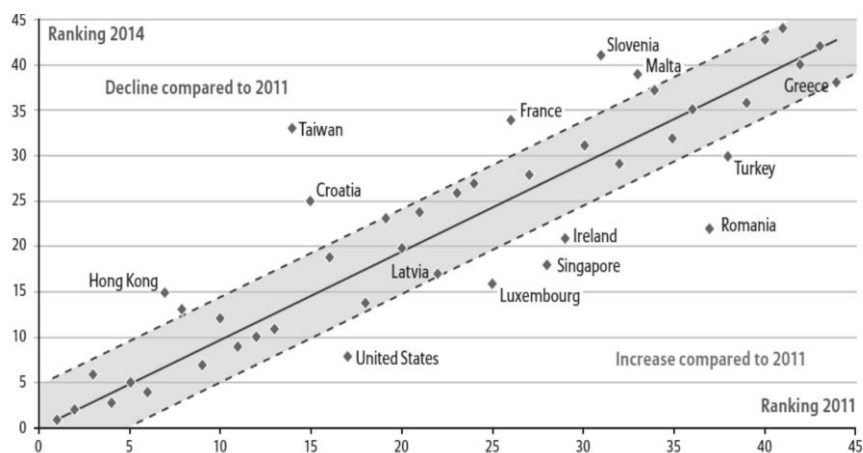
برای رسیدن به هدف مطالعه، نگارش به‌روز شده پیش‌بینی‌های مرتبط با هزینه‌های مستمری که توسط کمیسیون اروپا^۲ و کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^۳ و بانک جهانی تهیه و مورد بررسی قرار گرفته است. در پی بحران مالی و کاهش رشد اقتصادی در تعدادی از کشورها، آمار مرتبط با این شاخص با کاهش یافته است که به دنبال آن میزان تعهدات و بدهی‌ها و شاخص فرعی (تأمین مالی عمومی) هم تحت تأثیر قرار می‌گیرد. کشورهای اسلونی و مالت با توجه به پیش‌بینی هزینه مستمری براساس سال پایه با کاهش پیشرفت روبه‌رو می‌گردند، این کاهش نسبت به تغییرات ۴۰ سال آینده بیشتر می‌باشد. چشم‌انداز امید بخشی برای کشور رومانی پس از افزایش سن قانونی بازنشستگی ایجاد شده است که شاخص مربوط به سیستم مستمری و به تبع رتبه این کشور را تحت تأثیر قرار داده است.

1. Mandatory annuitization of funds
2. European Commission : the executive body of the European Union
3. Organization for Economic Co-operation and Development

مقوله فرایند اصلاحات در کشورهای مورد مطالعه نیز مدنظر و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. تغییر ماهیت قابل توجه در کشور یونان تأثیر مهمی بر زمینه مستمری و ارزیابی پارامترهای سیستم مستمری گذاشته است که به تبع انجام این اصلاحات اساسی، این کشور ارتقاء رتبه داشته است و افزایش قابل توجه در سن بازنشستگی در کشور ایرلند عامل رسمی در بهبود رتبه این کشور می‌باشد. به دلیل فشارهای مالی، کشورهایی از جمله دانمارک، هلند و رومانی هرچه سریع‌تر در راستای انجام اصلاحات اقدامات لازم را انجام داده‌اند. در حالی که سایر کشورها با روند کندی در حال اعمال اصلاحات و تغییرات می‌باشند و به دلیل همین سکون و رکود، برخی کشورها از جمله کشور فرانسه، در جدول رتبه‌بندی ارتقا پیدا نمی‌کنند.

کشور امریکا به میزان قابل توجهی با ارتقاء رتبه روبه‌رو گردیده است؛ بدتر شدن نسبت شاخص وابستگی سالمندی در سایر کشورها و همچنین مدل مثبت هزینه‌ها و مستمری در قیاس با مطالعه قبلی از علل این ارتقاء رتبه است، ولی تعداد زیادی از کشورها به‌ویژه در اروپا با ارقام قابل توجهی از هزینه‌ها نسبت به پیش‌بینی‌های قبلی براساس سال پایه روبه‌رو گردیده‌اند.

نمودار ۲- شاخص پایداری مستمری- تغییرات در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴



نتایج منطقه‌ای

اروپای غربی و شمال امریکا

طی دو دهه اخیر، تقریباً همه کشورهای اروپای غربی سیستم‌های مستمری عمومی خود را به سمت پایداری سوق داده‌اند. یکی از اهداف اصلی، انجام اصلاحات از طریق افزایش سن بازنشستگی بوده

است. سایر اقدامات پیشگیرانه اعم از تغییر در محاسبات میزان مستمری، افزایش سال‌ها و مبنای محاسبه دستمزد مشمول کسر حق بیمه و همچنین تغییر در مکانیزم‌های ترمیم جهت کاهش در میزان نرخ جایگزینی را می‌توان مدنظر قرار داد.

به هر حال میزان سرعت اصلاحات از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. کشورهایی که به موقع اصلاحات اساسی را اعمال کردند، قادر به ارتقاء شاخص پایداری کشور خود شدند، در حالی که برخی کشورها در مقایسه به دلیل تعلل و کوتاهی در انجام به‌جا و به‌موقع اصلاحات و سیاست‌گذاری‌ها، رتبه قابل قبولی کسب نکرده‌اند.

کشور مالت در پایین‌ترین رده در فهرست اروپای غربی قرار دارد، هر چند به لحاظ رتبه با تنزل نیز روبه‌رو گردیده است. تداوم روند سن پایین بازنشستگی در حالی که پدیده سالمندی در این کشور در حال افزایش است علت عمده کاهش رتبه این کشور می‌باشد. پیش‌بینی سازمان ملل در خصوص نرخ وابستگی سالمندی کشور مالت در سال ۲۰۵۰ حتی بیش از گزارش پیشین است و مبین افزایش پدیده سالمندی در این کشور است. به علاوه کمیسیون اروپا افزایشی هم در هزینه مستمری در سال پایه و ۴ سال آتی پیش‌بینی می‌نماید.

با انجام اصلاحات مؤثر در کشور یونان کمک شایان توجهی به ارتقاء رتبه این کشور در سال ۲۰۱۱ شده است. با این وجود وضعیت نامطلوب جمعیتی و سطح بالای بدهی‌ها مانع از رشد این کشور شده است. کشور یونان همچنان نیاز دارد که وضعیت سیستم مستمری خود را رصد کند تا هزینه‌ها از سطح معینی فراتر نرود و در صورت لزوم اصلاحات لازم صورت پذیرد.

کشور ایتالیا با سرعت قابل توجهی مقوله اصلاحات را از سال ۲۰۱۲ در رأس برنامه‌های خود در پاسخ به بحران بدهی و کاهش اعتبار خود، قرار داده است. همین امر باعث ارتقاء رتبه آن شده است. کشور اسپانیا همچنین اصلاحات عمده‌ای را انجام داده است ولی همچنان در گروه کشورهای قرار دارد که با بحران سن بازنشستگی و مشکلات مالی (قبرس، یونان، ایتالیا) روبه‌رو می‌باشند. این کشور نیز به خاطر جمعیت زیاد سالمند تحت فشار مالی قابل توجهی است. از سویی سازمان ملل میزان وابستگی سالمندی کشور اسپانیا را از ۶۲ درصد به ۶۷ درصد پیش‌بینی کرده است و در زمره ۵ کشور سالمند همچون ژاپن، هنگ‌کنگ، کره و پرتغال قرار داده است. از دیگر سو دو کشور سوئد و نروژ از موقعیت مالی عمومی نسبتاً با ثباتی برخوردار هستند. نروژ حتی به دلیل شرایط مالی بهتر، از کشور هلند فراتر رفته است. سن بازنشستگی قانونی بالای کشور نروژ و همچنین روند نسبتاً ملایم پدیده سالمندی در این کشور باعث ارتقاء رتبه آن شده است.

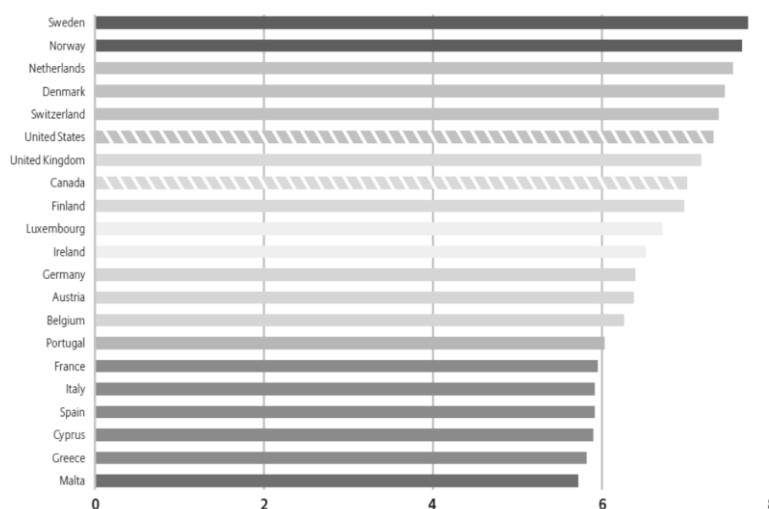
رتبه متوسط کشور آلمان به دلیل پیش‌بینی جمعیتی سازمان ملل کمی تنزل یافته است. انتظار

می‌رود که میزان وابستگی سالمندی از پیش‌بینی قبلی بیشتر شود. به‌علاوه پیش‌بینی هزینه مستمری سال پایه کمیسیون اروپا کمی بیشتر از ۴۰ سال آینده است. تغییرات کشور آلمان در خصوص سیستم مستمری باعث نوساناتی در ارقام هزینه مستمری می‌گردد. این تغییرات اخیر باعث عدم پیشرفت و ارتقاء رتبه این کشور گردیده است.

کشور آمریکا یکی از کمترین نسبت‌های وابستگی سالمندی را در سال ۲۰۵۰ خواهد داشت و با یک تغییر ملایم بین زمان حال و سال ۲۰۵۰ همراه خواهد بود. در خصوص شاخص پایداری مستمری، کشور آمریکا حتی به ۱۰ کشور برتر ارتقاء یافته است که بخشی از آن به دلیل بدتر شدن وابستگی سالمندی در سایر کشورها می‌باشد و بخشی دیگر از آن حاصل تجدیدنظر مؤثر در هزینه‌های مستمری این کشور در مقایسه با مطالعه قبلی می‌باشد. بیشتر کشورها به‌ویژه در اروپا با ارقام هزینه‌ای بیشتر از پیش‌بینی قبلی در خصوص سال پایه روبه‌رو شده‌اند.

کشور کانادا در مقایسه با بیشتر کشورهای اروپای غربی و تعداد زیادی از کشورهای مورد مطالعه از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است. با لحاظ تمام شاخص‌های فرعی، سیستم مستمری کانادا بسیار پایدار است. البته به‌لحاظ رتبه در گروه ۱۰ کشور برتر نیست.

نمودار ۳- شاخص پایداری مستمری سال ۲۰۱۴ اروپای غربی و شمال آمریکا



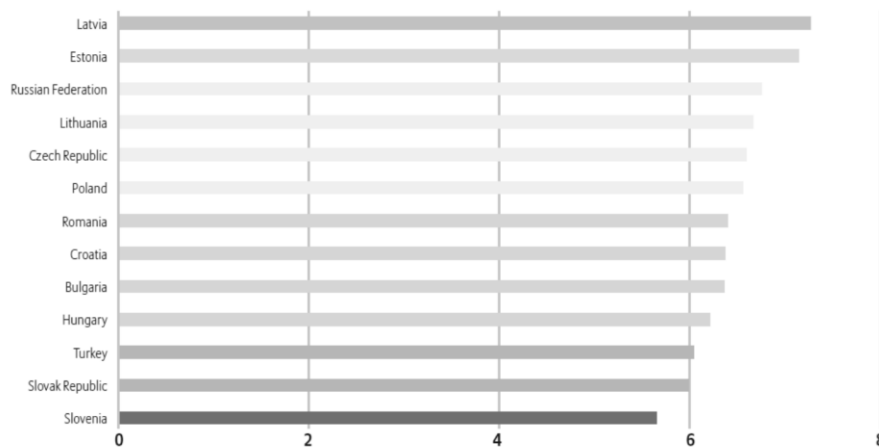
اروپای شرقی

در نگارش قبلی این گزارش موضوع تأثیر بحران مالی را بر کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و شاخص پایداری مربوط به آنها مورد بررسی قرار گرفته است. این موضوع تأثیر منفی بر ذخایر

انباشت شده و اقتصاد ملی داشته است. رشد اقتصادی به طرز چشمگیری تنزل یافته و فشار عظیمی بر منابع عمومی وارد کرده است، ضمن اینکه افزایش قابل توجهی در سهم بدهی‌ها نسبت به تولید ناخالص داخلی ایجاد شده است. میزان تأثیر این عوامل بر شاخص پایداری مستمری در سال ۲۰۱۱ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این گزارش تأثیر هزینه مستمری در مقایسه با تولید ناخالص داخلی مدنظر قرار نگرفته است. این تأثیر در نگارش اتحادیه اروپا از گزارش سالمندی سال ۲۰۱۲ منعکس گردیده است که در اینجا مورد استفاده قرار گرفته است. تمام کشورهای اروپای شرقی و مرکزی مورد مطالعه در گزارش سنی با سهم هزینه‌های بیشتری نسبت به گزارش پیشین روبه‌رو هستند. جمهوری چک، کشورهای حوزه دریای بالتیک و اسلواکی بازنگری مؤثری برای سال پایه انجام داده‌اند. تأثیرات منفی این هزینه‌ها در تعامل مستقیم با شاخص‌های زیرمجموعه پایداری از منظر تأمین مالی عمومی است.

در کشور رومانی، لیتوانی و لاتویا چشم‌انداز بلندمدت هزینه‌های مستمری نسبت به گذشته بهتر شده است که این مسئله اثر مثبتی بر زیر شاخص‌های پایداری مستمری در مقایسه با سال پایه دارد و تأثیر مثبتی هم بر ارتقاءرتبه کشورهای دارد. افزایش سن بازنشستگی در کشور رومانی باعث ارتقاءرتبه این کشور نیز شده است. کشور لتونی در بین کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، در فهرست ۱۰ کشور برتر قرار دارد و جایگاه آن بعد از امریکا و کمی قبل از انگلیس است. اگرچه سن بازنشستگی همچنان پایین است اما نوع محاسبه مزایا به صورت حق بیمه معین اسمی فشار مالی را کاهش می‌دهد.

نمودار ۴- شاخص پایداری مستمری سال ۲۰۱۴ در خصوص کشورهای منتخب در اروپای شرقی



از آنجایی که لایه دوم به صورت اجباری است و نرخ حق بیمه آن از سال ۲۰۰۹ روند رو به رشدی داشته است، ذخائر حاصل از این لایه، سطح منابع مورد نیاز جهت تأمین مزایای بازنشستگی و بالا بردن میزان مزایا فراتر از خط فقر را افزایش داده است؛ در حالی که اگر نرخ حق بیمه افزایش نیابد، فشار زیادی بر منابع عمومی و پایداری بلندمدت ایجاد می‌گردد. در آن سو، فهرست کشورهای اسلونی و اسلواکی وجود دارند. همان‌طور که قبلاً اشاره گردید پیش‌بینی هزینه مستمری در سال پایه برای این کشورها بالاتر است، هرچند تغییرات پیش‌بینی شده برای اسلواکی برای ۴۰ سال آینده نیز وجود دارد. اگرچه چشم‌انداز اسلونی شرایط نامساعدی را به تصویر نمی‌کشد، ولی افزایش هزینه‌ها و مستمری و عدم اصلاحات، زمینه را برای ارتقاء سیستم مستمری مهیا می‌سازد.

کشور ترکیه به دلیل افزایش سن بازنشستگی، با ارتقاء زیادی در جدول رتبه‌بندی روبه‌رو گردیده است، ولی سیستم بخشنده مستمری در این کشور لزوم بررسی دقیق را ایجاب می‌نماید. اگرچه جمعیت این کشور همچنان جوان است، اما انتظار می‌رود میزان شاخص نسبت وابستگی^۱ سالمندی تا سال ۲۰۵۰ سه برابر شود و این کشور در آینده دچار پدیده فوق‌سالمندی گردد به آن معنا که سهم افراد بیش از ۶۵ سال و بیشتر، فراتر از ۲۱ درصد باشد. بنابراین کشور ترکیه باید توجه به مقوله سالمندی را در راس اولویت‌های سیاسی خود قرار دهد.

پایداری بلندمدت کشورهای مجارستان، لهستان، اسلواکی و جمهوری چک ممکن است با ریسک همراه باشد، از آنجایی که آنها جهت پوشش مشکلات مالی کوتاه‌مدت و میان‌مدت ذخیره لایه دوم را به اتمام رساندند، کاهش ذخایر مستمری متعاقباً جهت تکمیل سطح کم مستمری از محل منابع

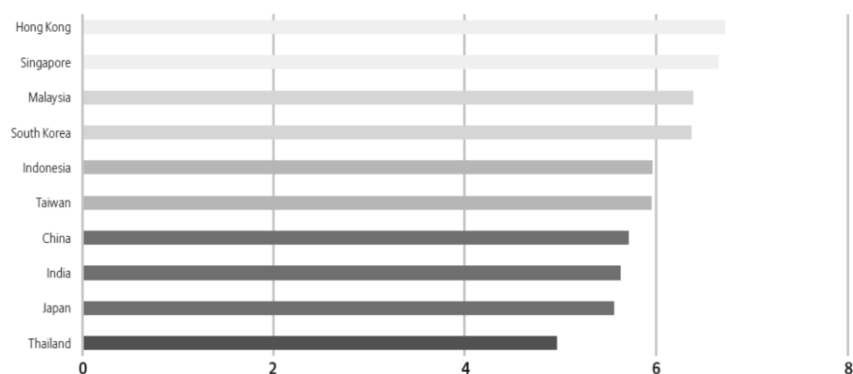
1. OAD : Old age dependency

عمومی، کافی نمی‌باشد، نتیجه اینکه میزان مستمری مزایاگیران از خط فقر پایین‌تر خواهد آمد و طبیعی است که نیاز به مساعدت رفاهی از جانب دولت تشدید می‌گردد و به تبع آن آثار منفی بر منافع عمومی دولت را در بر خواهد داشت.

آسیا

موقعیت متمایز مستمری در کشورهای آسیایی باعث می‌شود که نحوه انجام اصلاحات به صورت وسیعی از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد. ظهور بازارهای آسیایی باعث ایجاد تغییرات ساختاری عمده‌ای گردیده است. رشد اقتصادی قوی سطح میانی سراسر منطقه را به سمت شکوفایی و رونق سوق داده است. افزایش شهرسازی و تغییر ساختار خانواده‌های سنتی باعث تحولات عظیم اقتصادی و اجتماعی شده که به تبع آن چشم‌انداز موضوع بازنشستگی در منطقه آسیا کاملاً تغییر یافته است. در نقطه مقابل اروپا، سیستم‌های جامع در بیشتر کشورهای آسیا همچنان به پیشرفت نیازمند هستند و افزایش پوشش سیستم مستمری عمومی به عنوان یک چالش مهم محسوب می‌گردد. بنابراین بسیاری از دولت‌های آسیایی شروع به اجرای سیستم‌های چند لایه کرده‌اند که به واسطه آن سیستم‌های ذخیره‌سازی متنوعی ارائه گردد. کشورهای با لایه ذخیره‌سازی پایدار به لحاظ شاخص پایداری مستمری و رتبه در موقعیت مطلوبی قرار دارند. بار مالی سیستم مستمری در برخی موارد پایین می‌باشد به این دلیل که سیستم آنها به گونه‌ای طراحی شده است که افراد به اندوخته خود طی سال‌های اشتغال متکی هستند. کشورهای هنگ کنگ، سنگاپور و مالزی دارای این ویژگی می‌باشند. کشور هنگ کنگ به لحاظ رتبه به دلیل پدیده سالمندی که در این کشور در آینده به وقوع می‌پیوندد، تنزل یافته است.

طبقه‌بندی جمعیت سازمان ملل نشان‌دهنده آن است که میزان وابستگی سالمندی کشور هنگ کنگ به ۶۷ درصد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید (در مقایسه با پیش‌بینی قبلی ۵۵ درصد) و این امر نشان‌دهنده آن است که فرایند سالمندی با سرعت قابل توجهی در حال افزایش است و همین مسئله، فشار روزافزونی به دولت برای بازبینی سیستم ایجاد می‌نماید.



در خصوص کشور سنگاپور تغییر معکوس پیش‌بینی گردیده است. میزان نسبت وابستگی سالمندی پیش‌بینی شده است که در سال ۲۰۵۰ به ۴۸ درصد برسد، در حالی که پیش‌بینی پیشین معادل ۵۸ درصد بود. این مقوله باعث ارتقاء رتبه این کشور گردیده است. همچنین معرفی مقرری اجباری سالیانه که در واقع ریسک رسیدن میزان مقرری افراد سالمند به خط فقر را کاهش داده است کمک خوبی به ارتقاء رتبه کشور سنگاپور کرده است. کشور مالزی در بین کشورهای آسیایی به لحاظ شاخص پایداری مستمری مقام سوم را به خود اختصاص داده است. از آنجایی که سیستم تأمین اجتماعی مستمری در مالزی براساس حق بیمه معین است افراد می‌بایست جهت تأمین مزایای بازنشستگی خود به حق بیمه انباشته‌شده خود متکی باشند. اما از آنجایی که مردم می‌توانند دارایی‌های خود را در سنین پیش از بازنشستگی برداشت کنند و هیچ منعی برای افراد جهت برداشت انباشته خود وجود ندارد. ریسک کاهش مقرری بازنشستگی این افراد و گرایش آن به خط فقر وجود دارد و در چنین شرایطی معمولاً دولت‌ها جهت تأمین کسری اقدامات لازم را انجام می‌دهند. با این وجود، وضعیت فعلی، فشار مالی جزئی به سیستم وارد می‌کند ولی به دلیل پارامترهای به کار گرفته شده در شاخص پایداری، سن پایین بازنشستگی در مالزی و رشد سریع سالمندی از عوامل عمده رتبه متوسط این کشور می‌باشد. این موارد در خصوص کشور اندونزی نیز مصداق دارد که در مقام پنجم بین ۱۰ کشور آسیایی را به خود اختصاص داده است.

سیستم مستمری در مالزی

سیستم مستمری مالزی از زمان شروع در سال ۱۹۵۱ براساس رویکرد لایه‌ای عمل کرده است. کارفرمایان تحت قالب صندوق احتیاط به‌عنوان اولین صندوق احتیاط عمومی در آسیا به‌صورت طرح مبتنی بر حق بیمه اجباری برای کارکنان بخش خصوصی پرداخت حق بیمه انجام دادند. در سال

۱۹۸۰ یک سیستم مستمری جدید به صورت اجباری برای مستمری بخش عمومی جایگزین گردید و بازنشستگان کشوری تحت طرح مزایای معین بیمه شدند. طرح انتقال از سیستم DC به سیستم DB عمدتاً از طریق مالیات‌ها تأمین مالی گردید. با انجام مدل اصلاحات اقتصادی جدید در مالزی سیستم بازنشستگی مالزی طرح یک لایه را کنار گذاشت. بازنشستگی خصوصی و طرح مزایای سالانه معوق در سال ۲۰۱۲ تحت عنوان لایه سوم و به خصوص اختیاری تدوین گردید. در همان سال سن قانونی بازنشستگی به مردان و زنان به ۶۰ سال ارتقاء یافت.

سیستم مستمری در اندونزی

سیستم مستمری در اندونزی به صورت چندلایه و شامل چند طرح تأمین اجتماعی مختلف می‌باشند. این طرح هم به صورت عمومی و هم خصوصی اداره می‌شود. طرح اجباری برای کارمندان دولت یا همچون مأموران پلیس و نیروهای مسلح می‌باشد. طرح‌های تأمین اجتماعی شامل کارکنان بخش خصوصی در سال ۱۹۷۷ اجرا گردید و بعد از آن در سال ۱۹۹۲ به صندوق احتیاط تغییر شکل داد. سن قانونی و اجباری بازنشستگی ۵۵ سال است. مستمری کارکنان دولت با طرح مزایای معین تأمین مالی می‌گردد و با طرح‌های حق بیمه معین کارکنان در بخش خصوصی تحت پوشش قرار می‌گیرند. این امکان برای کارکنان بخش عمومی وجود دارد که علاوه بر مزایای پایه در طرح تکمیلی اختیاری هم مشارکت داشته باشند. این امکان برای کارکنان بخش خصوصی وجود دارد که از مستمری شغلی اختیاری خصوصی بهره‌مند گردند. به هر حال مشارکت به اندازه زیادی به نظر و تقسیم کارفرمایان بستگی دارد. یک طرح مبتنی بر مزایای جدید و سیستم ملی تأمین اجتماعی انتظار می‌رود در این کشور در سال ۲۰۱۵ به مرحله اجرا و عملیاتی شدن درآید.

علی‌رغم تأثیر مطلوب جمعیت در میزان شاخص پایداری، کشور هند همچنان برای اصلاح سیستم مستمری خود تحت فشار می‌باشد. با توجه به اینکه فقط ۱۲ درصد جمعیت تحت پوشش جهت دریافت مزایای مستمری می‌باشند، ولی پوشش بسیار پایین این کشور یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها برای سیاست‌گذاری‌های آن به حساب می‌آید.

کشور تایلند که پایین‌ترین رتبه را بین کشورهای آسیایی به خود اختصاص داده است در رتبه‌بندی از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشد. سیستم مستمری آن متأثر از سن بازنشستگی بسیار پایین معادل ۵۵ سال می‌باشد. هدف اصلی کشور تایلند تمرکز بر موضوعی متفاوت با اصلاح

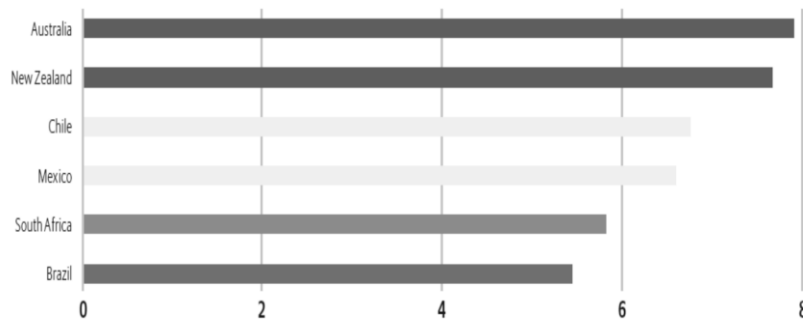
مستمری می‌باشد. این کشور با چالش بزرگی جهت فائق آمدن بر عواقب منفی بروز سیل در ۵۰ سال و آشفتگی‌های سیاسی روبه‌رو بوده است. اگرچه تعداد زیادی از کشورهای آسیایی نوظهور اصلاحات مستمری را در رأس الویت‌های خود قرار داده‌اند، ولی همچنان فعالیت‌های ناتمامی وجود دارد که می‌بایست انجام گردد.

کشور ژاپن به لحاظ رتبه قبل از کشور تایلند قرار گرفته است، با وجود آنکه از پوشش بیمه‌ای مناسبی برخوردار می‌باشد. این کشور دارای بیشترین میزان نسبت وابستگی سالمندی در دنیا است و در سال ۲۰۵۰ انتظار می‌رود که به سطح ناپایداری تقریباً ۷۲ درصد در مقایسه با ۳۹ درصد کشور چین برسد. متغیر دیگری که باعث رتبه نامناسب این کشور گردیده است میزان بالای بدهی دولت به سیستم مستمری می‌باشد که بدهی است که مقوله کمک مالی جهت تأمین کسری سیستم مستمری از سوی دولت که نیاز به آن برای هر سیستم مستمری احساس می‌گردد، برای این کشور منتفی گردیده است.

امریکای جنوبی، اقیانوسیه و دیگر کشورها

پایداری بلندمدت سیستم‌های مستمری در جنوب امریکا، استرالیا، نیوزیلند و افریقای جنوبی از کشوری به کشور دیگر به دلیل چشم‌اندازهای متضادشان متغیر است. در یک مقایسه کلی در ۵۰ کشور مورد مطالعه، رتبه‌بندی از بهترین تا بدترین کشور به لحاظ شاخص پایداری صورت گرفته است. رتبه بالا کشورهای استرالیا و نیوزیلند نسبت به مطالعه پیشین تغییری نداشته‌اند. این دو کشور دارای ساختارهای متعادل بازنشستگی به لایه اول مستمری عمومی و تکمیلی توسط لایه‌های ذخیره‌سازی می‌باشد. با ترکیب ساختار مطلوب جمعیتی و مدیریت مناسب منابع عمومی در این کشورها، برای شهروندان سالمند شرایط و جایگاه خوبی فراهم گردیده است.

نمودار ۶- شاخص پایداری مستمری سال ۲۰۱۴ در خصوص کشورهای منتخب در امریکای جنوبی، اقیانوسیه و ...



رتبه پایین کشور برزیل در شاخص پایداری، این کشور را در بلندمدت در وضعیت نامناسبی قرار داده است. دلیل اصلی این امر مربوط به وضعیت سیستم مستمری‌ها است. اگرچه مشابه بیشتر کشورهای سن قانونی بازنشستگی در این کشور ۶۵ سال در نظر گرفته شده است ولی در واقع سن بازنشستگی در این کشور پایین است؛ چراکه مردان بیش از ۳۵ سال و زنان ۳۰ سال جهت دریافت مستمری کامل مایل به پرداخت حق بیمه است.

علاوه بر این‌ها نرخ جایگزینی در این کشور بالاست و ۱۳ پرداخت طی یک سال وجود دارد که به تبع آن آثار منفی بر منابع عمومی خواهد داشت. کشور برزیل ممکن است در حال حاضر بر بار مالی ناشی از سیستم مستمری خود به دلیل جمعیت جوان فائق گردد، ولی ضرورت بازبینی مجدد سیاست‌گذاری‌ها جهت تغییرات جمعیتی عمده آتی همواره احساس می‌گردد. در سال ۲۰۵۰ پیش‌بینی می‌گردد که میزان نسبت وابستگی سالمندی ۳/۵ برابر گردد ضمن آنکه با تعداد زیادی بازنشسته در این سال روبه‌رو خواهد شد.

سیستم مستمری در برزیل

سیستم مستمری در برزیل شامل سه لایه می‌باشد. اولین لایه براساس سیستم گسترده توازن هزینه و درآمد طراحی گردیده است که در واقع نیروی کار بخش خصوصی را تحت پوشش قرار می‌دهد. در این لایه سن قانونی بازنشستگی برای مردان ۶۵ سال و برای زنان ۶۰ سال در نظر گرفته شده است ولی مستمری کامل به افراد بعد از ۳۵ سال پرداخت حق بیمه (درخصوص زنان ۳۰ سال) پرداخت می‌گردد. لایه دوم از صندوق‌های مستمری خصوصی تشکیل شده است که برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ با ارائه طرح‌های ذخیره‌سازی تکمیلی اختیاری به صورت صندوق‌های باز و بسته احیاء گردید. مقررات عملکردی صندوق‌های مستمری خصوصی در سال ۲۰۰۱ گسترش پیدا کرد و با ارائه طرح‌ها مزایای معین و حق بیمه معین و همچنین برنامه‌های ترکیبی با قوانین خاص برای

صندوق‌های بسته متناسب با نحوه مشارکت شرکای بیمه‌ای اعم از اتحادیه‌های کارگری و شرکت‌های حرفه‌ای با طرح‌های حق بیمه معین، ایجاد و گسترش یافت. در لایه سوم حق بیمه‌ها برای طرح فردی براساس کسر مالیات دریافت می‌گردد.

شاخص پایداری مستمری سه کشور دیگر با مابقی کشورها قابل قیاس نمی‌باشند و آنها دارای ساختارهای بسیار قوی در طرح‌های ذخیره‌سازی هستند.

کشور شیلی به لحاظ رتبه‌بندی سومین رتبه را از نظر شاخص پایداری دارد. رتبه این کشور بسیار به روسیه و هنگ‌کنگ و لوگزامبورگ با کمی اغماض نزدیک می‌باشد، ولی به لحاظ سیستم مستمری تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. سیستم مستمری در شیلی براساس سیستم اندوخته‌گذاری حق بیمه تعریف شده است. این سیستم در دهه ۱۹۸۰ معرفی و ارائه گردید و براساس آن میزان قابل توجهی از دارایی در دسترس است. افراد بر منابع انباشته خود متکی هستند ولی جهت مقابله با پدیده فقر در خصوص این افراد دولت یک سیستم مستمری منسجم اضافی برای نیازمندان و فقرا ارائه داده است. به‌عنوان نتیجه، بار مالی سیستم مستمری شیلی پایین می‌باشد و سطح بدهی‌های آن نسبت به همه کشورهای پایین‌تر است و بدیهی است که این موضوع بر رتبه مثبت این کشور تأثیر به‌سزایی دارد. علاوه بر این وضعیت جمعیتی هم در این کشور بسیار مطلوب می‌باشد. کشور شیلی همچنان دارای نسبت وابستگی سالمندی پایینی است، هرچند پدیده سالمندی مشابه کشورهای دیگر در این کشور نیز رو به افزایش است و با فشار مالی ناشی از این پدیده در آینده روبه‌رو خواهد شد.

سیستم مستمری در شیلی

بعد از اصلاح مستمری در سال ۱۹۸۰، کشور شیلی اولین کشوری بود که سیستم توازن هزینه با درآمد خود را با سیستم حساب‌های انفرادی جایگزین کرد. اولین لایه براساس سیستم غیر حق بیمه‌ای پایه‌ریزی شده بود؛ سیستم پایه‌ای مشارکتی و منسجم (با پرداخت به فقیرترین، ۶۰ درصد از جمعیت کشور). در لایه دوم، مستمری معمولاً بعد از ۶۵ سالگی برای مردان و ۶۰ سالگی برای زنان قابل پرداخت خواهد بود. لایه دوم مبتنی بر طرح حساب‌های انفرادی اجباری می‌باشد که توسط مؤسسات بخش خصوصی اداره می‌گردد و جالب اینجاست که ۷۵٫۶ درصد از جمعیت شاغل کشور شیلی در سال ۲۰۱۱ تحت پوشش این لایه قرار گرفتند. لایه سوم سیستم مستمری شیلی به‌صورت طرح تکمیلی اختیاری جهت ارتقاء سطح مستمری بازنشستگی افراد طرح‌ریزی گردیده است که با سیستم ارتقاء انگیزه افراد جهت پرداخت مالیات جهت افزایش مستمری آتی

آنها پایه‌ریزی شده است.

مکزیک

کشور مکزیک به لحاظ رتبه و جایگاه پایین‌تر از کشور شیلی است. با این وجود رتبه این کشور در میان ۵۰ کشور در جایگاه خوب قرار دارد. سیستم تأمین اجتماعی این کشور که دارای نرخ حق بیمه ثابت با سیستم تأمین مالی توازن هزینه و درآمد می‌باشد. در کنار آن یک سیستم اجباری ذخیره‌سازی مبتنی بر حق بیمه معین در ۱۵ سال گذشته در این کشور به اجرا گذاشته شده است و به تبع آن اگرچه سطح هزینه‌های مستمری پایین می‌باشد و به لحاظ ساختار جمعیتی به کشور شیلی بسیار نزدیک است، ولی متأسفانه میزان بدهی‌های این کشور بیشتر می‌باشد و همین امر باعث تنزل رتبه شاخص پایداری مستمری این کشور گردیده است. نسبت شاخص وابستگی سالمندی این کشور با سرعت رو به افزایش است و در سال ۲۰۵۰ انتظار آن می‌رود که به بیش از ۳ برابر برسد و قطعاً فشار زیادی بر سیستم در بلندمدت وارد خواهد ساخت.

سیستم مستمری در مکزیک

سیستم مستمری در کشور مکزیک شامل سه لایه است. در پی اصلاحات صورت گرفته در سیستم مستمری این کشور در سال ۱۹۹۷، سیستم سنتی توازن هزینه و درآمد به صورت تدریجی به سیستم اندوخته‌گذاری کامل مبتنی بر حق بیمه معین تغییر یافت. لایه اول سیستم مستمری جدید مبتنی بر دریافت مالیات و جهت جبران کسری مستمری افراد کم درآمد در زمان اشتغال بود. به‌طور کلی مستمری در این کشور در سن ۶۵ سالگی پس از کسب حداقل سابقه پرداخت حق بیمه مورد نیاز، قابل پرداخت می‌باشد. لایه دوم مبتنی بر ذخیره‌سازی به صورت اجباری برای تمامی کارکنان بخش خصوصی طراحی گردیده است و حساب‌های شخصی بازنشستگی توسط مدیران صندوق مستمری خصوصی اداره می‌گردد. طرح‌های مستمری خصوصی ۹۵/۵٪ درصد از جمعیت شاغل مکزیک را در سال ۲۰۱۱ تحت پوشش قرار داده است. در لایه سوم حق بیمه‌ها به صورت اختیاری به صورت پس‌انداز بازنشستگی و مبتنی بر مالیات پرداخت می‌گردد.

از آنجا که یک کشور با جمعیت جوان به نام افریقای جنوبی تحت تأثیر منفی مقوله سالمندی نمی‌باشد انتظار رتبه خوبی برای این کشور وجود دارد ولی رتبه این کشور در فهرست به دلیل متغیرهایی در این شاخص پایین می‌باشد. موقعیت افریقای جنوبی مبتنی نیاز به ایجاد یک سیستم جامع است، چراکه بخش‌های مختلف در این کشور رو به افزایش است و در آینده با پدیده سالمندی مواجه خواهند گشت.

سیستم مستمري در افريقای جنوبی

کشور افريقای جنوبی در حال حاضر حمايت مالی برای سالمندان بدون پرداخت حق بیمه از طرف آنها را ارائه می‌دهد. روش ارائه حمايت مبتنی بر استطاعت مالی افراد می‌باشد و همواره مستمري با نرخ ثابتی برای افراد بالای ۶۰ سال به‌عنوان شهروند آن کشور تضمین گردیده است که منبع تأمین مالی این مزایا از محل درآمدهای دولت براساس دریافت مالیات می‌باشد؛ به‌علاوه قشر وسیعی از افراد شاغل وجود دارند که می‌بایست چتر حمايتی بیمه‌ای برای آنها وجود داشته باشد ولی به‌دلیل ساختار اقتصادی کشور امکان دریافت مزایای بیمه‌ای برای همگان وجود ندارد (خیلی از افراد مقیم در مشاغل غیررسمی وجود دارند). در پی استقرار مردم‌سالاری در سال ۱۹۹۴ سیستم مستمري با اصلاحاتی در راستای افزایش پوشش به‌ویژه برای افراد ساکن در مناطق روستایی و افراد شاغل در مشاغل غیررسمی همراه گردیده است.

روش‌شناسی و اطلاعات

برآورد شاخص پایداری مستمري متأثر از زیرشاخه‌هایی اعم از رشد جمعیت، منابع عمومی و طراحی سیستم مستمري جهت اندازه‌گیری سیستمی پایداری بلندمدت سیستم مستمري است. شاخص‌های فرعی مشتمل بر پارامترهای متعددی برای وضعیت فعلی و آتی سیستم است.

شاخص فرعی جمعیتی

یکی از عوامل اصلی پایداری بلندمدت سیستم مستمري و همچنین یکی از دلایل انجام اصلاحات در هر سیستمی مقوله سالمندی جمعیتی است. نسبت وابستگی سالمندی که مبین نسبت تعداد افراد ۶۵ سال و بیشتر به افراد دارای سن ۶۴-۱۵ (جمعیت در سن اشتغال) می‌باشد یک شاخص مؤثر و تعیین‌کننده وضعیت سالمندی در یک کشور است. درخصوص شاخص پایداری وضعیت فعلی و آتی مدنظر قرار گیرد. یک کشور با جمعیت جوان ممکن است در حال حاضر دارای وضعیت مناسبی باشد ولی افزایش سریع جمعیت سالمند در آینده، آن کشور را ناگزیر از انجام اصلاحات خواهد کرد. بنابراین شاخص نسبت وابستگی سالمندی در سال ۲۰۵۰ درخصوص هر کشور را با مذاقه بیشتر در نظر گرفته و نیاز به دخالت سریع دولت جهت پیشگیری از عواقب سالمندی در سال‌های آتی مورد تأکید قرار می‌گیرد. لازم به‌ذکر است که اطلاعات از چاپ اصلاحی پیش‌بینی جمعیت جهان سازمان ملل در سال ۲۰۱۲ اقتباس گردیده است.

شاخص فرعی سیستم مستمري

این بخش از شاخص پایداری، پارامترهای مربوط به سیستم‌های مستمری مالی و طراحی‌های آتی آنها را ارائه می‌دهد. در سیستم‌های توازن هزینه و درآمد نسبت مزایا بگیران بازنشسته به حق بیمه دهندگان در نیروی کار برای تأمین مالی سیستم بسیار حیاتی است. سیستم ورود به حوزه بازنشستگان باعث تفکیک این گروه‌ها می‌گردد و بنابراین ما این پارامتر را در متغیر شاخص پایداری مستمری مدنظر قرار می‌دهیم. از آنجایی که انتخاب‌های متنوعی جهت بازنشستگی زود هنگام در کشورهای مختلف وجود دارد، می‌بایست سن قانونی مؤثر را به‌عنوان سن بازنشستگی لحاظ نمود. مقوله تأثیر گذاری و قانونی بودن سن بازنشستگی تأثیر زیادی بر میزان رتبه آن کشور خواهد داشت. به‌عنوان مثال با توجه به افزایش جهشی موالید در قرن بیستم در نیروی کار اروپای غربی تعداد زیادی از کشورها در راستای ایجاد انگیزه برای بازنشستگی زود هنگام اقداماتی انجام دادند تا موضوع فشار بیکاری و بازار کار بحرانی نگردد؛ نتیجه اینکه به هر حال تعداد زیادی از افراد با اعمال طرح بازنشستگی زود هنگام، نیروی کار اروپا را کمتر از سن قانونی بازنشستگی ترک کردند و به‌تبع آن فشار بر منابع مالی عمومی وارد گردید. در نقطه مقابل کشورهایی که سن قانونی بازنشستگی را افزایش دادند (به جهت کاهش نسبت وابستگی سالمندی) از مزایای مثبت پایداری بلندمدت سیستم بهره‌مند گردیدند. علاوه بر موارد فوق میزان درآمد بازنشستگی یک مستمری‌بگیر تأثیر زیادی بر پایداری مالی سیستم دارد. با مقایسه تعداد زیادی از کشورها، تفاوت‌ها در میزان نرخ جایگزینی می‌تواند میزان سخاوتمندی یک سیستم مستمری را توصیف کند. این تغییر به‌عنوان یک پارامتر مهم در تغییرات آتی مدنظر قرار می‌گیرد. طی دو دهه اخیر تعداد زیادی از کشورها اصلاحات پارامتریک را برای سیستم‌های مستمری خود اجرا کرده‌اند. به‌غیر از افزایش سن بازنشستگی، روش طراحی شده جهت رسیدن به نرخ جایگزینی پایین‌تر (به‌عنوان مثال تغییر محاسبه میزان مستمری، افزایش سال‌های مبنای محاسبه مستمری و تغییر در مکانیزم‌های ترمیم مستمری) از اهمیت زیادی برخوردار است.

در این مسیر، کشورها درصد ارتقاء پایداری بلندمدت سیستم‌های مستمری خود بوده‌اند. بنابراین در شاخص‌های فرعی سیستم مستمری، یک رویکرد کیفی برای فرایند اصلاحات مدنظر قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال اگر اصلاحات بنیادی جهت ایجاد تغییرات چشمگیر جمعیتی از قبل صورت گیرد در آینده با سیستم مستمری استوار و پایداری مواجه خواهیم شد. در این‌گونه موارد حتی اگر جمعیت سالمند الزام و نیاز به انجام اصلاحات جهت ارتقاء پایداری بلندمدت سیستم را ضروری سازد، برنامه‌ریزی‌های از پیش انجام شده و برنامه‌های در حال اجرا، فشار و نیاز به اصلاحات آینده را کمرنگ می‌کند. سن بازنشستگی در حال افزایش، کاهش در نسبت وابستگی بالا در گذشته

یا تقویت سیستم‌های ذخیره‌سازی همگی مبین انجام اصلاحات می‌باشند. بنابراین ما مسئول اعمال اصلاحات مصوب و یا قابل تصویب در آینده هستیم. گزینه کاهش نرخ جایگزینی می‌بایست محتاطانه مطرح گردد، چون وقتی درآمد بازنشستگی خیلی پایین باشد مسئله فقر سالمندی ایجاد می‌گردد. برنامه‌های ایجاد رفاه و تأمین مالی جهت جبران خلاء ناشی از کاهش مستمری فشار بیشتری بر منابع مالی عمومی نسب به عدم کاهش نرخ جایگزینی اعمال می‌نماید و به تبع آن این مسئله بر شاخص پایداری اثرگذار خواهد بود. کشورهایی که سیستم‌های اندوخته‌گذاری اضافی جهت جبران نرخ جایگزینی پایین را ندارند، قطعاً از نظر این شاخص فرعی در موقعیت ضعیفی قرار می‌گیرند؛ بنابراین برای این که موضوع مدنظر قرار گیرد، باید به اهمیت مقوله ذخیره‌سازی در سیستم هر کشوری توجه شود که در آن میزان ذخایر می‌باید به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی به صورت بخشی از این شاخص فرعی لحاظ گردد. سری زمانی اطلاعات دریافتی از گزارش EC در خصوص سالمندی در سال ۲۰۱۱ برای این متغیرها در کشورهای اروپایی مورد استفاده قرار گرفته است. هرگونه اطلاعات نامشخص مربوط به کشورهای OECD، بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی در خصوص پارامترهای مستمری تکمیل و در صورت لزوم منابع ملی و آمار مورد نیاز اضافه گردیده است.

نمودار ۷: روش‌شناسی شاخص پایداری مستمری

شاخص‌های فرعی	وضعیت	اقدام موردنیاز
جمعیتی	نسبت وابستگی سالمندی	تغییر در نسبت وابستگی سالمندی
سیستم مستمری	سطح مزایای مستمری از اولین لایه و پوشش نیروی کار	تغییر در سطح مزایای مستمری
	سن قانونی و مؤثر بازنشستگی	
	توانمندسازی لایه اندوخته‌گذاری و ذخائر به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی	اعمال اصلاحات
تأمین مالی از محل درآمد عمومی	GDP / پرداخت‌های مستمری	GDP / تغییر در پرداخت‌های مستمری تا سال ۲۰۵۰
	GDP / بدهی عمومی	
	نیاز به دریافت حمایت رفاهی	

شاخص فرعی دارایی عمومی

موضوع دارایی عمومی یکی دیگر از شاخص‌های فرعی جهت رتبه‌بندی کشورها در رابطه با شاخص پایداری مستمری است. اگر هزینه‌های مستمری بالا باشد یا در صورت آنکه انتظار داشته باشیم با هزینه‌های مستمری چشمگیری در آینده مواجه شویم، این موضوع تأثیر منفی گسترده‌ای بر منابع عمومی خواهد گذاشت. در یک سیستم مستمری توان هزینه و درآمد، نیروی کار حق بیمه به سیستم تأمین اجتماعی پرداخت می‌کند تا در زمان مقرر بازنشسته گردد. به‌علاوه دولت‌ها مکلف به حمایت از مستخدمین (کارمندان) دولتی هستند. پارامترهای موردنظر هزینه‌های مستمری به‌صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی و تغییرات مورد انتظار تا سال ۲۰۵۰ می‌باشد. علاوه بر این همانطور که در بخش قبلی مطرح گردید ما همچنان نگران کاهش سطح مستمری‌ها به‌میزانی کمتر از خط فقر می‌باشیم درحالی که که سیستم‌های رفاهی در این مقوله می‌بایست دخالت داشته باشند. میزان بدهی‌ها به‌صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی به‌عنوان عاملی در تعیین شاخص پایداری مستمری، مبتنی آن است که دارایی‌های عمومی تا چه میزان هستند. بحران مالی و همچنین توالی و شدت تأثیر آن بر اقتصاد فشار قابل توجهی بر دارایی‌های عمومی ایجاد می‌کند. این مسئله باعث ایجاد بحران در برخی کشورهای اروپایی شده است تا جایی که سطح بالای بدهی‌ها باعث ایجاد اختلال در دو سال اخیر شده است که حتی نمی‌تواند پاسخگوی هزینه‌های روزافزون مستمری بازنشستگی برای آنها باشد. اطلاعات اقتصادی صندوق بین‌المللی پول مربوط به اکتبر سال ۲۰۱۳ (به منبع توجه کنید) اطلاعات بدهی‌ها را نشان می‌دهد گزارش سالمندی EC در سال ۲۰۱۲ مشابه اطلاعات کشورهای OECD و بانک جهانی با اطلاعات هزینه‌های مستمری تکمیل گردیده است و در صورت نیاز منابع مالی و آمار مورد نیاز اضافه گردیده است.

ارزش‌گذاری (شیوه امتیازدهی)

هریک از متغیرهای شاخص‌های فرعی، امتیازی از ۱ تا ۱۰ به خود اختصاص می‌دهند. عدد ۱ نمایانگر ضعیف‌ترین میزان (به‌عنوان مثال بیشترین میزان بدهی؛ بیشترین میزان نرخ جایگزینی و بیشترین نسبت وابستگی سالمندی یا سن بازنشستگی قانونی پایین) و عدد ۱۰ بیشترین و بهترین میزان را نشان می‌دهد. متغیرها ترکیبی از اعداد بین ۱ تا ۱۰ درخصوص هر یک از شاخص‌های فرعی می‌باشند. در نهایت شاخص‌های فرعی با یکدیگر جهت تعیین رتبه نهایی ترکیب شده‌اند. یک کشور با رتبه ۱ نمایانگر آن است که نیاز شدیدی جهت انجام اصلاحات در آن احساس می‌گردد

و سیستم به‌طرز قابل توجهی ناپایدار است. عدد ۱۰ نمایانگر آن است که نیازی به انجام اصلاحات وجود ندارد. در ادامه چند شاخص فرعی که تأثیر به‌سزایی بر بهبود نتایج را دارند مورد تحلیل قرار می‌گیرند:

- سیستم مستمری ملی جهت پاسخگویی به نیاز جامعه‌ای که روندی به‌سمت سالمندی را طی می‌کند، طراحی گردیده است به‌عنوان مثال: اولین لایه با عنوان سیستم توازن هزینه و درآمد مزایای مناسبی را ارائه می‌دهند و درصد بالایی از نیروی کار را تحت پوشش قرار می‌دهد.
- سن بازنشستگی قانونی بالا و متناسب با امید زندگی در نظر گرفته شود.
- لایه‌های مبتنی بر سرمایه‌گذاری در جایگاهی هستند که جهت تکمیل درآمد سالمندان مورد استفاده واقع گردند.
- جمعیت ملی تأثیر و فشار زیادی جهت انجام اصلاحات ایجاد نمی‌کند به‌عنوان مثال:
- نسبت وابستگی سالمندی مطلوب است.
- هر تغییر در رابطه با تعادل شغل و بازنشستگی به‌نظر مناسب و متعادل می‌رسد.
- دولت در جایگاهی است که می‌تواند فشار ناشی از اصلاحات را جبران کند.
- پرداخت‌های عمومی مستمری پایین هستند.
- دولت در شرایط مالی مناسبی است و می‌تواند جهت جبران کسری قرض یا وام بیشتری به سیستم مستمری بدهد یا از طریق فشار اقتصاد کشور پرداخت‌های مستمری را جبران کند.

توجه به این نکته بسیار مهم است که شاخص پایداری مستمری از یک مقیاس فاصله‌ای برای رتبه‌بندی استفاده می‌کند. از آنجا که این شاخص دارای ترتیب کاردینال یا ارزش مقداری^۱ نیست، نتایج (مقدار مطلق) این شاخص جهت انجام محاسبات عددی مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد. بنابراین تفاوت‌های جزئی در وزن اعداد مربوط به کشورها، تفاوت چندانی بین کشورها نشان نمی‌دهد.

نتایج شاخص‌های فرعی

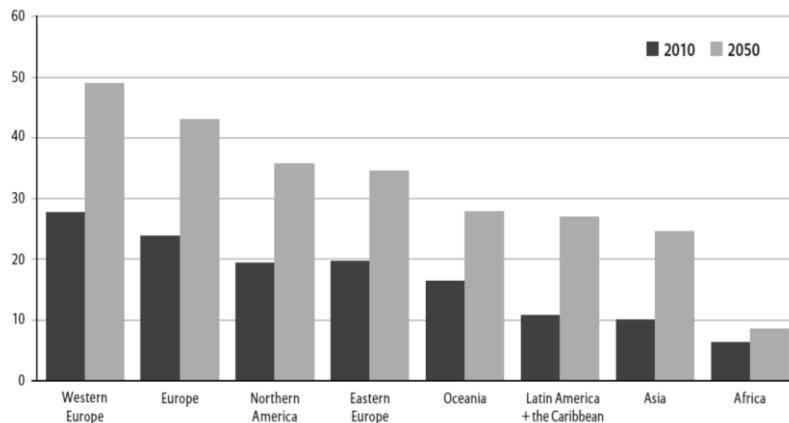
1. metric

جمعیت سالمندی

اگرچه مقوله سالمندی جمعیت یک پدیده جهانی محسوب می‌گردد، اما وضعیت و سرعت افزایش جمعیت به طرز چشمگیری از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. این بی‌ثباتی و تفاوت می‌تواند توسط شاخص نسبت وابستگی مورد تجزیه و تحلیل واقع گردد. شاخص نسبت وابستگی سالمندی در اروپا همچنان بالاست و روند مداوم رشد پایین نرخ زاد و ولد و افزایش امید به زندگی از دلایل عمده بالا بودن این شاخص است. برای رسیدن به یک چشم‌انداز درست شاخص نسبت وابستگی سالمندی در اروپای غربی ۲۸ درصد و تقریباً ۱۰ درصد در مناطق جوان از جمله آسیا و آمریکای لاتین و حتی کمتر در افریقا می‌باشد. مناطق با جمعیت جوان به‌طور طبیعی به دلیل تأثیرات منفی نوسانات جمعیتی دستخوش پدیده سالمندی خواهند شد و انتظار می‌رود تغییرات سریع به‌ویژه در منطقه آسیا و آمریکای لاتین رخ دهد. میانگین سنی جمعیت در کشورهای دنیا به صورت نوسانی از امروز تا سال ۲۰۵۰ در تغییر است و زمانی می‌رسد که میزان شاخص نسبت وابستگی مستمری تقریباً در آمریکای لاتین سه برابر و در آسیا بیش از دو برابر گردد و در آمریکای شمالی و غربی و اروپای شرقی با ۸۰ درصد افزایش همراه باشد. به نظر می‌رسد در آسیا به دلیل افزایش امید به زندگی با تغییرات سریع جمعیتی روبه‌رو گردیم به‌گونه‌ای که امید به زندگی از سال ۱۹۵۰ از میزان ۴۲ به ۶۸ سال ارتقاء یافته است و می‌تواند به‌عنوان بیشترین جهش در هر منطقه‌ای در دنیا در نظر گرفته شود. این جهش ناگهانی در امید به زندگی در قیاس با افزایش ۱۰ سال در اروپا، ۱۰ سال در آمریکای شمالی و ۱۸ سال در افریقا بسیار زیاد است. تنها امید به زندگی در آمریکای لاتین با حدود ۲۰ سال در رتبه قبل از آن قرار می‌گیرد.

به هر حال ساختار افزایش میزان امید به زندگی، به تنهایی مشکلی آفرین نیست. طی ۵۰ سال اخیر، منطقه آسیا با کاهش شدید نرخ باروری روبه‌رو گردیده است. هم‌اکنون هر زن در آسیا به‌طور متوسط صاحب ۲/۳ فرزند است که تقریباً ۶۰ درصد کمتر از سال ۱۹۵۰ است و تنها آمریکای لاتین با کاهش شدید مشابه مورد یاد شده روبه‌رو گردیده است.

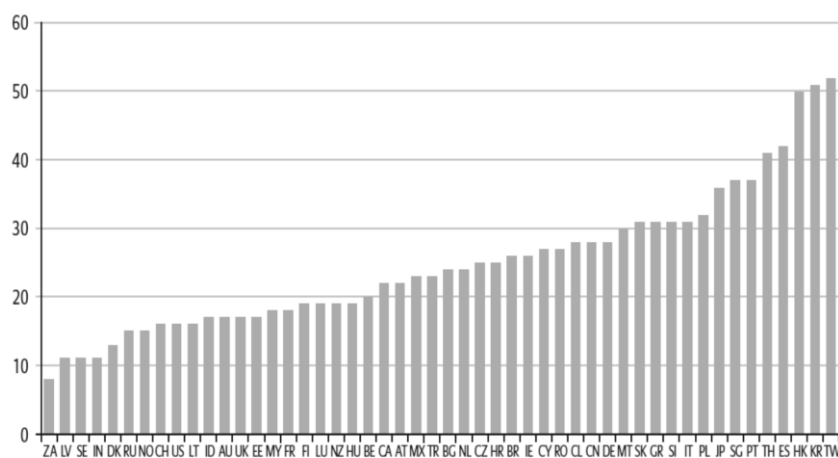
نمودار ۸- نسبت‌های وابستگی سالمندی در خصوص مناطق مختلف جهان (۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰) به صورت درصد



با یک نگاه دقیق‌تر به مناطق مختلف، این موضوع روشن می‌گردد که متغیر سالمندی به‌طرز چشمگیری از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. به‌عنوان مثال کشور ژاپن با شاخص نسبت وابستگی سالمندی ۳۶ درصد، همچنان به‌عنوان یک کشور بسیار سالمند لحاظ می‌گردد و انتظار می‌رود نسبت وابستگی سالمندی این کشور در سال ۲۰۵۰ دو برابر شود. هرچند دو برابر شدن این شاخص در کشور ژاپن در مقایسه با افزایش ۴ برابری (حتی فراتر با پیش بینی انجام گرفته) این شاخص در سال ۲۰۵۰ در کشورهای آسیایی جوان مانند هنگ‌کنگ و سنگاپور به استثناء کشورهای تایوان و کره و تایلند از اهمیت کمتری برخوردار می‌باشد. میزان شاخص وابستگی سالمندی کشور هنگ‌کنگ به‌میزان ۶۷ درصد خواهد رسید که این میزان نزدیک به کشور ژاپن و بیش از هر کشور اروپایی دیگر پیش‌بینی می‌گردد.

کشورهای اروپای شرقی در شرایط مهلک و دشواری به‌سر می‌برند. بیشتر کشورهای اروپای غربی، با شرایطی مشابه ژاپن، دارای جمعیت زیاد سالمند هستند، اما از آنجایی که جمعیت جوان به‌سمت سن بازنشستگی پیش می‌رود، میزان شاخص نسبت وابستگی سالمندی این کشورها به‌طرز قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. با این وجود میزان نوسانات به‌اندازه کشورهای آسیایی چشمگیر نیست.

نمودار ۹- افزایش در نسبت وابستگی سالمندی تا سال ۲۰۵۰ (درصد)

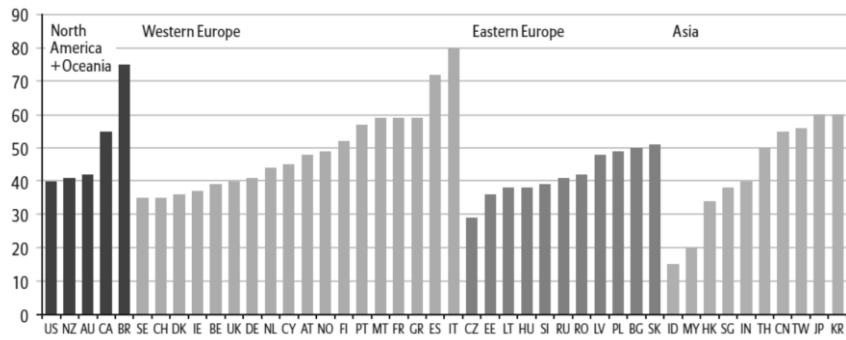


طرح‌های سیستم مستمری

تعداد زیادی از اصلاحات طی چند سال اخیر بر مبنای کاهش نرخ جایگزینی صورت گرفته است. با بررسی موشکافانه به هر حال دو رویکرد متفاوت همواره مدنظر قرار گرفته است. کشورهایی از جمله امریکا، استرالیا و انگلستان و ایرلند اصلاحات زیربنایی در سیستم مستمری خود اعمال کرده‌اند. در این موارد لایه‌های عمومی فقط مایحتاج اصلی و نیازهای اولیه افراد جهت مقابله با پدیده فقر سالمندی را پرداخت می‌کنند. هرگونه درآمد اضافی مورد نیاز جهت حفظ استانداردهای زندگی افراد باید از محل منابع ناشی از ذخیره‌سازی و سرمایه‌گذاری تأمین گردد. لایه مبتنی بر منابع عمومی در قاره اروپا به‌ویژه در اروپا، اسپانیا، فرانسه و یونان رویکرد سخاوتمندانه‌تری نسبت به سایر کشورها اتخاذ کرده‌اند. ایجاد تغییر و تحول در سیستم کمونیسم و انتقال به مردم‌سالاری عمومی (اجتماعی)، کشورهای اروپای مرکزی و شرقی را ناگزیر از اعمال اصلاحات ریشه‌ای و اساسی در سیستم‌های مستمری مربوطه ساخته است. با متوسط کاهش مستمری عمومی با نرخ جایگزینی ۴۵ درصد، کشورهای اروپای مرکزی و شرقی می‌بایست اقدامات لازم را برای ایجاد سیستم‌های مستمری ذخیره‌سازی اجباری یا اختیاری جهت پوشش شکاف ایجاد شده انجام می‌دادند. تفاوت‌های قابل توجه اقتصادی بین کشورهای پیشرفته و نوظهور در آسیا باعث ایجاد آینده متفاوت کشورها به لحاظ اقتصادی و سیستم‌های مستمری گردیده است. با این حال وقتی یک کشور یک سیستم مستمری رسمی را ارائه می‌دهد بیشتر متأثر از توصیه‌های بانک جهانی در راستای ایجاد تعادل بین لایه‌های چندگانه تأمین اجتماعی است. در این میان فقط کشور سنگاپور دارای سیستم یک‌لایه است و صندوق‌های چندمنظوره جهت تأمین مزایای متنوع در نظر گرفته است. که در آنها سطح

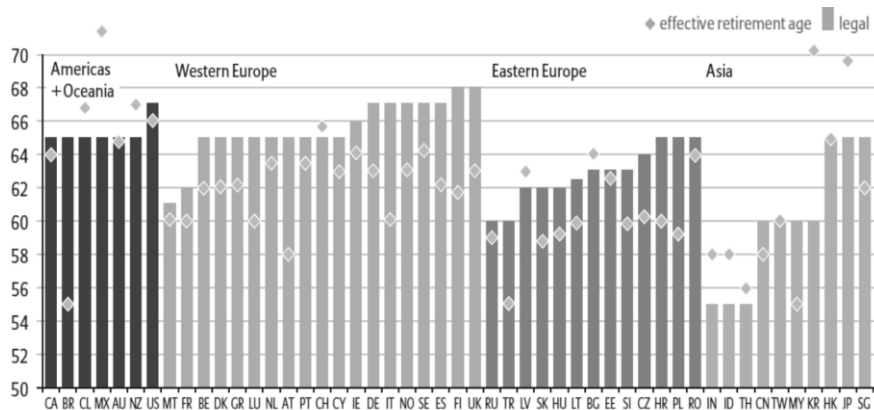
مستمری به میزان قابل توجهی پایین می باشد.

نمودار ۱۰- مستمری عمومی ناخالص در اروپا و کشورهای منتخب آسیا، امریکای شمالی و اقیانوسیه (درصدی از متوسط درآمد)



سن بازنشستگی یک شاخص بسیار مهم در زیر شاخص های فرعی سیستم مستمری است که تعیین کننده تعداد بیمه شدگان و مزایاگیران می باشد. اگرچه بیشتر کشورها سن بازنشستگی را ۶۵ سال یا بیشتر مدنظر قرار داده اند، ولی سن بازنشستگی کارا می تواند به میزان قابل توجهی با سن بازنشستگی قانونی آن کشور متفاوت باشد. به عنوان مثال کشورهای استرالیا، برزیل، کرواسی، فنلاند، ایتالیا، لوکزامبورگ، مالزی و ترکیه (نمودار ۱۱) با این موضوع مواجه هستند.

نمودار ۱۱- سن بازنشستگی قانونی و مؤثر (سال) در اروپا و کشورهای منتخب در امریکا، آسیا و اقیانوسیه



سرمایه گذاری عمومی

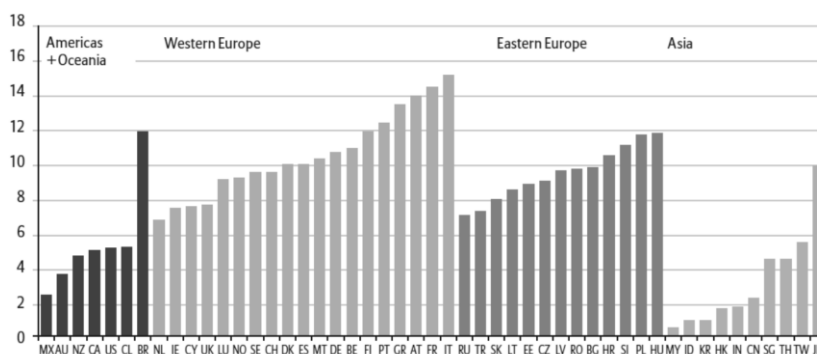
مقوله سرمایه‌گذاری عمومی مبین شاخص دیگری از پایداری سیستم مستمری در خصوص رتبه‌بندی کشورها است. در سال ۲۰۱۰ بار مالی سیستم مستمری عمومی اروپا تقریباً ۱۱,۳ درصد از تولید ناخالص داخلی آن بود. از آنجایی که کشورهایی که سیستم توازن هزینه و درآمد کوچک‌تر از جمله استرالیا، کانادا، ایرلند، نیوزلند، آمریکا و اکثریت کشورهای آسیایی به‌طور نمونه مبلغ کمتری برای سرمایه‌گذاری در نظر می‌گیرند عمدتاً تحت‌تأثیر ریسک کمتری قرار می‌گیرند. همچنین، کشورهایی با تمرکز بیشتر بر لایه مبتنی بر سرمایه یا اندوخته‌گذاری از جمله کشور شیلی، مالزی، مکزیک و سنگاپور در موقعیت مناسب‌تری به‌لحاظ اقتصادی هستند ولی فشار مالی بیشتری را می‌بایست تحمل کنند. به‌طور کلی قاره آسیا تاکنون سیستم‌های قانونی سالمندی جامعی را مدنظر قرار داده است و این امر باعث گردیده است که با ریسک بیشتری جهت کمک به برنامه‌های رفاهی عمومی روبه‌رو گردد.

جامعه رو به سالمندی به‌طور طبیعی هزینه‌های مستمری به همراه دارد که این هزینه‌ها سالانه در حال افزایش است. در اروپای غربی انتظار می‌رود، بار مالی ناشی از این هزینه‌ها به ۱۲,۸ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۵۰ برسد. تعهدات آتی مشابه می‌تواند در کشورهای ژاپن و برزیل مشاهده گردد. خیلی از دولت‌ها تاکنون اصلاحاتی را در راستای کاهش سطح مستمری‌ها و به‌تبع آن کاهش بار مالی در سطح کلان اعمال کرده‌اند، به‌عنوان مثال کشور یونان با انجام اصلاحات با کاهش سطح مستمری‌ها و هزینه‌های عمومی روبه‌رو گردیده است.

در صورت تداوم روند قبلی و عدم اصلاحات، پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که سطح هزینه‌های مستمری در آینده دو برابر خواهد شد. ولی پس از اعمال اصلاحات مؤثر و قوی در کشور یونان

ضمن افزایش پایداری سیستم، سطح هزینه‌های مستمری در سال ۲۰۵۰ نسبت به پیش‌بینی‌های قبلی کاهش می‌یابد. با این وجود سطح هزینه‌های این کشور در قیاس با سایر کشورها از جمله انگلستان و ایرلند همچنان بالا است، چراکه این کشور دارای طرح یا لایه عمومی اول مناسبی می‌باشد و بار مالی کمتری را متحمل می‌گردند و انتظار می‌رود به دلیل دارا بودن لایه اول (مبتنی بر منابع عمومی) مناسب میزان افزایش هزینه‌های مستمری در آینده چندان زیاد نباشد. اگرچه اروپای شرقی دارای ساختار جمعیتی مشابهی است، ولی انتظار می‌رود که میزان افزایش در هزینه‌های مستمری متعادل و مناسب باشد. نقطه قوت این سیستم آن است که سیستم‌های ارائه‌دهنده خدمات سالمندی و اجزای سرمایه‌گذاری در جایگاه مناسبی پس از فروپاشی حکومت کمونیستی قرار گرفته‌اند.

نمودار ۱۲- هزینه‌های مستمری در اروپا و کشورهای منتخب آسیا، امریکای شمالی و اقیانوسیه (درصدی از GDP در سال ۲۰۱۰)

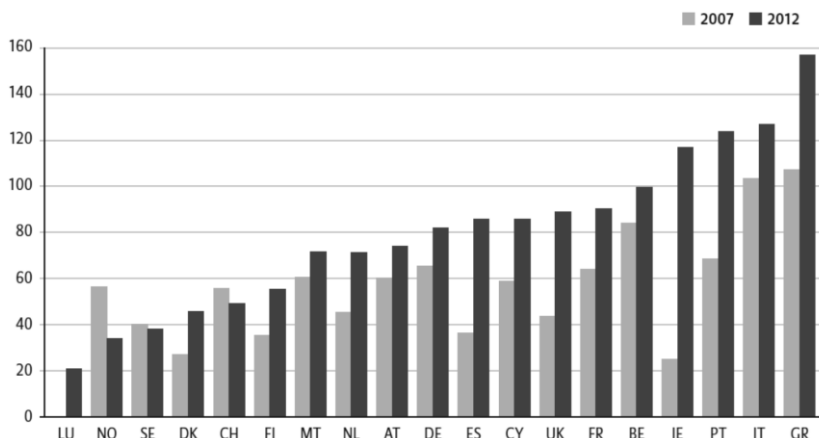


اگر از منظر دیگری منابع عمومی مورد مطالعه قرار گیرد، ضروری است که میزان بالای بدهی‌ها به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی به عنوان یک عامل مهم قلمداد گردد به این دلیل که این شاخص مبین میزان حجم هزینه‌های قابل پرداخت می‌باشد. بحران مالی به علاوه توالی و شدت مشکلات اقتصادی شرایط را جهت پیدا کردن راهی جهت حل بحران مهیا ساخته‌اند؛ چراکه بار مالی قطعاً فشار زیادی به منابع عمومی دولت اعمال خواهد ساخت. در برخی کشورها بدهی‌های زیاد طی سه سال اخیر به حالت انفجاری درآمده است و بدیهی است که امکانی برای افزایش سطح مستمری‌ها فراهم نخواهد شد.

یک راه برای احیای سیستم توازن هزینه و درآمد استفاده از رویکرد افزایش نرخ حق بیمه است. در واقع افزایش حق بیمه‌ها و مالیات تأثیری به سزا و مبتنی بر ارتقاءرتبه کشورها به لحاظ پایداری

خواهد داشت، ولی از آنجایی که میزان حق بیمه‌های دریافتی و مالیات در حال حاضر در بیشتر کشورها بالا می‌باشد بدیهی است که افزایش بیشتر نرخ حق بیمه از توان و تحمل بیمه‌پردازان فراتر خواهد بود و همان‌طور که قبلاً ملاحظه گردید تغییر سیستم مستمری فعلی با توجه به تبعات ناشی از آن با محدودیت‌هایی روبه‌رو است.

نمودار ۱۳: بدهی‌های قابل توجه در اروپای غربی (درصدی از GDP در سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲)



نمودار ۱۴: بدهی‌های قابل توجه در اروپای شرقی (به صورت درصدی از GDP در سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲)

